

بازدید ناصرالدین شاه قاجار از اکسپوزیسیون بین‌المللی پاریس ۱۸۷۸ میلادی

ژرژ لوی

ترجمه و مقدمه: محمدرضا بهزادی

مقدمه

عصر قاجار را که از پس برآمدن آقا محمدخان شروع شد و تا اواخر قرن ۱۴ هجری به سلطان احمدشاه ختم گردید می‌توان یکی از ادوار مهم و تأثیرگذار تاریخ ایران در عرصه بین‌المللی و دیپلماسی دانست. برخورد فرهنگ ایرانی با اروپایی در سالهای آغازین عصر انقلاب صنعتی و جنگهای متمادی با دولت روسیه، خود انقلابی عظیم برپا کرد که باعث شد ایرانیان فاصله خود را با اروپا درک نمایند و در اثر رویارویی با تمدن جدید، به اصلاحاتی اساسی در ساختارهای بنیادین کشور خود دست بزنند.

این دوره به ویژه عصر سلطنت چهارمین سلطان قاجار، ناصرالدین شاه، را می‌توان دوره نفوذ ملل غرب در مشرق زمین و شرح و بسط سیاستهای استعماری آن دانست. اروپای صنعتی که احتیاج مبرم به فراهم آوری مواد اولیه و بازار مصرف برای کالاهای خود داشت، به گسترش اقدامات استعماری خویش در آسیا و به خصوص خاورمیانه و ایران پرداخت؛ زیرا ایران از دوران باستان دروازه هندوستان به شمار می‌آمد و همواره میدان مبارزه و فعالیت قدرتهای آن عصر یعنی انگلستان، فرانسه و روسیه بود و از این رهگذر متحمل خسارتهای، مادی و معنوی زیادی گردید.

با به قدرت رسیدن ناصرالدین شاه، شاه جوان قاجار که از دوران ولیعهدی خود علاقه بسیاری به ترقیات و تمدن قاره اروپا داشت، پس از شهادت میرزا تقی‌خان که در اثر سعایت بدخواهان روی داد، در اندک زمانی پس از وی توانست بر مدعیان مداخله‌گر

معاصر خود غلبه کند. او با رأی و ارادهٔ مطلقهٔ خود زمام امور را به دست صدراعظمی فرنگ دیده، اصلاح طلب و خواهان ترقیات جدید سپرد و سپس دستور تشکیل دارالشورای کبری را صادر نمود.

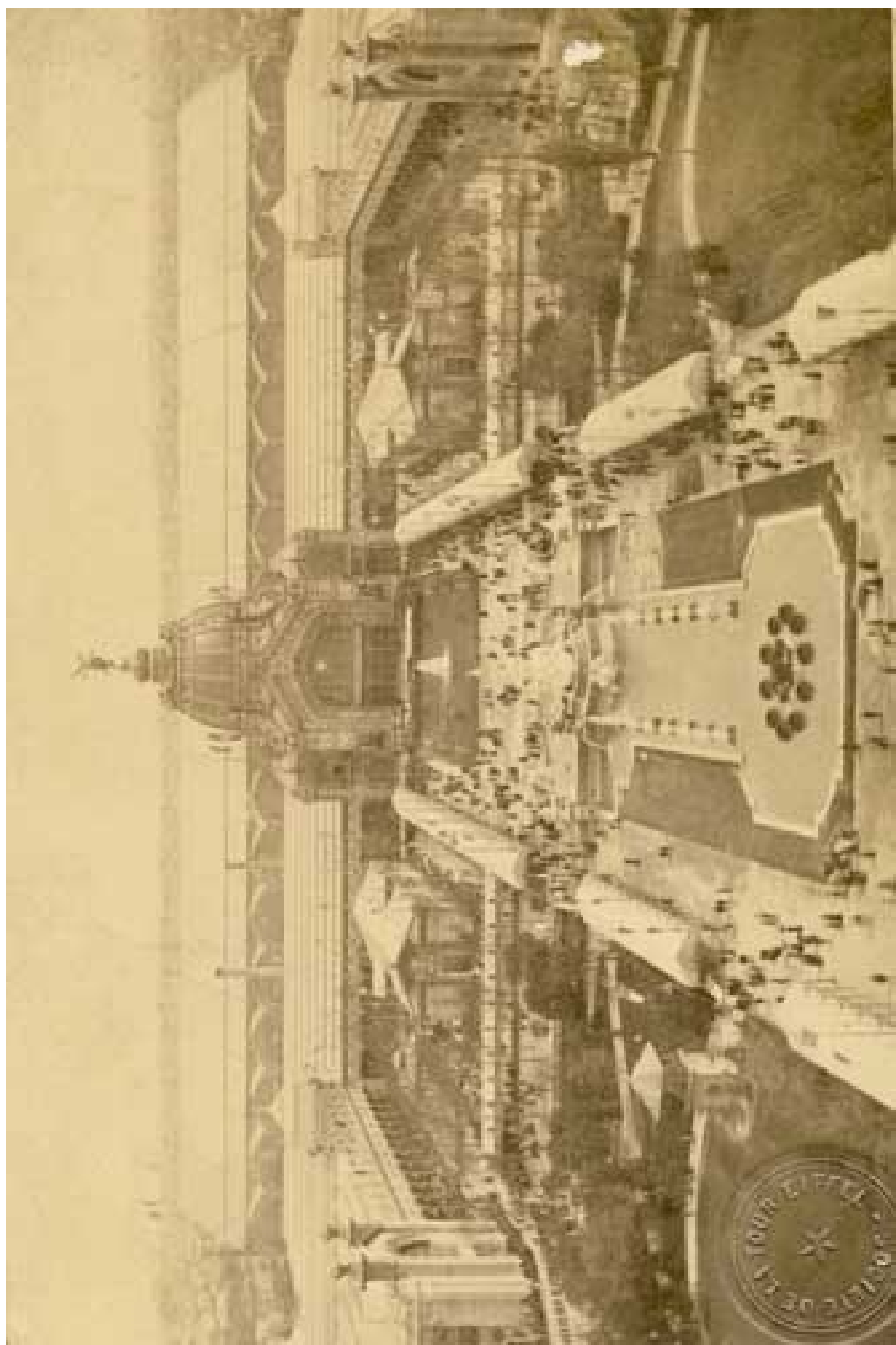
صدراعظم جدید، میرزا حسین خان مشیرالدوله قزوینی، برآن شد تا شاه را با تمدن اروپا آشنا سازد تا ترقیات پرشتاب اروپا و دول متمدن غرب را که در اثر وضع قوانین در کشورهایشان حاصل شده بود، با چشم خود مشاهده کند و بداند که پشت دروازه‌های استانبول، دنیایی دیگر نهفته است.

صدراعظم امیدوار بود شاه، با دیدن این پیشرفتهای بی حد و حصر در تمامی زمینه‌ها، از تأسیس دارالشورای کبری که دیگران را نیز در ادارهٔ مملکت با پادشاه همسو و همراه می ساخت، و همچنین دیگر اصلاحات در ساختار حکومتی ایران، پشتیبان نشود و طرز ادارهٔ ممالک خارجه را ببیند و بداند که سایرین چگونه کشورداری می کنند. میرزا حسین خان سودای آن داشت که شاه جوان ایران، که میراث دار حکومت‌های طلائی کسانی چون شاه عباس کبیراست، بتواند فاصلهٔ میان کشور خویش و جهان غرب را دریابد و بداند که حکام و پادشاهان پیش از وی، در این مدت پس از سقوط دولت صفوی، سالهای متمادی است که در تاریکی قدم نهاده‌اند و با جنگ‌های داخلی و خونریزی و عیاشی و بیخیالی نسبت به اوضاع داخلی و خارجی فاصلهٔ خود را با ملل مغرب زمین زیاد نموده‌اند و اینک، در سالهای پایانی قرن نوزدهم، ایران و ایرانی در قهقرایی هولناک دست و پا می زنند. وی می خواست عاقبت سستی و فتور را در شاهره ترقی به شاه بفهماند و به اروپاییها، ایرانیان را ملتی زنده و پیشرو معرفی کند و شاه را، به تقلید عثمانیها، به قبول عادات و رسوم اروپا آشنا و وادار نماید.

ناصرالدین شاه، که بیصبرانه مشتاق دیدار اروپا بود، به طور کلی تمایل زیادی به ترقی ایران داشت و همواره سعی می نمود که صنایع بدیع فرنگستان به ایران راه یابد و جوانان ایرانی در بلاد غرب به تحصیل علوم جدید مشغول شوند، با صدراعظم در این فکر همسو گشت. همین روحیه شاه بود که وی را در بهار سال ۱۸۶۶ میلادی برای بازدید از ناوگانهای جنگی روسیه به فرح آباد مازندران کشانید. این اولین رویارویی وی با دول متمدن همعصرش بود.^۱

به هر روی، صدراعظم شاه را به سفر فرنگ ترغیب نمود و چنین بود که

۱. از این سفر و بازدید ناصرالدین شاه کتابی تألیف و در روسیه چاپ شده که توسط نگارنده در دست ترجمه است.



نمایشگاه جهانی پاریس

ناصرالدین شاه قاجار برای اولین بار در سال ۱۲۹۰ هجری قمری (مطابق ۱۸۷۳ میلادی) به دعوت فرانسوا ژوزف امپراتور اتریش - مجارستان برای بازدید از نمایشگاه بین‌المللی وین عازم اروپا گردید. او اولین پادشاه ایرانی بود که برای اولین بار قدم به خاک اروپا می‌گذاشت. سفر اول شاه به اروپا مصادف بود با اوجگیری قدرت آلمان که در اثر کفایت و لیاقت صدراعظم آن کشور، پرنس اوتو فون بیسمارک و حسن مدیریت ویلهلم اول، امپراتور پروس ایجاد شده بود و در این قدرت‌گیری تمامی خاک فرانسه و پایتخت آن شهر پاریس به تصرف ایشان درآمده بود. پس از وقایع این سالها (۷۳-۱۸۷۱) بود که شاه به اروپا مسافرت کرد.

در این مسافرت، شاه با تمامی تاجداران و فرمانروایان معاصر خود در اروپا آشنا شد و در میان آنها دوستانی پیدا کرد که او را با نهایت صمیمیت پذیرفتند. در طی این سفر وی از جریانهای سیاسی دنیا تا حدی باخبر شد و ترقیات محیرالعقول اروپا را با چشم خود دید و اروپائیان فهمیدند که پادشاه ایران، غیر از امیر خیوه و بخارا و مهاراجه‌های هندوستان است.

شاه پس از بازگشت از این سفر به پیگیری اقدامات مثبت خود ادامه داد و از صدراعظم سابق که بنا به مصالحی پس از سفر اول به وزارت خارجه منصوب و به امور لشکری به وضع پیش از صدارت مفتخر شده بود، به نهایت درجه حمایت نمود، ترقیخواهی وی را ستود و در آشکار و نهان تمایل خود را به دیدار مجدد از اروپا ابراز نمود.

سرانجام، در شب اول ماه رمضان سال ۱۲۹۴ شاه به توسط آقا اسماعیل بهبهانی به قرآن کریم استخاره کرد تا در سال ۱۲۹۵ عازم دومین سفر فرنگستان شود. استخاره خوب آمد و عزم شاه و سپهسالار اعظم به سفر جزم گردید. حتی با مخالفت اکثر شاهزادگان و درباریان به واسطه شدت یافتن جنگ میان روس و عثمانی که شاه را از سفر پیش رو منع می‌نمودند، چون استخاره خوب آمده بود، هیچ چیزی مانع نگشت تا او از سفر صرف‌نظر نماید. بدین منظور بود که در روز پنج‌شنبه آخرین روز ربیع‌الاول ۱۲۹۵ از تهران خارج شد. شاه و همراهان پس از طی مسافت قابل توجهی از داخل خاک ایران به رود ارس رسیدند و، به علت طوفانی بودن دریا در فصل بهار، از طریق رود ارس قدم به خاک روسیه نهادند. پس از دیدار از مسکو و سن پترزبورگ و ملاقات با امپراتور روس و درباریان و شرکت در دفیله‌ها و جشنهای میهمانی که به افتخار حضور وی ترتیب یافته بود به آلمان عزیمت کرد. در برلین، پس از اولین ملاقات با امپراتور، هنگامی که هیئت ایرانی خود را برای ضیافت شام رسمی امپراتور آلمان آماده می‌کردند، امپراتور

مورد سوء قصد مخالفان اصلاحات قرار گرفت و «طبع ظریف شاهانه قبله عالم آزرده گشت».^۲

اصل سفر از ورود «موکب شاهانه» به پاریس شروع می‌شود که اقامت طولانی تری را ایجاد می‌نماید. شرکت در نمایشگاه بین‌المللی پاریس که در آن فرآورده‌های صنعتی از تمام جهان در معرض دید مشتاقان قرار داشت و دلیل اصلی سفر شاه بود و همچنین دعوت دولت فرانسه جهت شرکت در همین نمایشگاه را می‌توان نقطه عطف سفر وی دانست.

در این نمایشگاه بزرگ از تمام نقاط عالم صنایع و ظرایف ملل مختلف گردآوری شده و ابنیه باستانی و معماری سنتی هر ملک و ملتی در اندازه طبیعی به نمایش درآمده بود. همچنین چیدمان غرفه‌ها بر طبق آداب و رسوم کشورها صورت پذیرفته و در این بین غرفه ایران نیز که بر اسلوب معماری اصفهان ساخته شده بود خودنمایی می‌کرد. شخص شاه در شرح مسافرت به پاریس و بازدید از نمایشگاه می‌نویسد:

دوشنبه ۸ الی ۱۳ جمادی‌الثانی، از در تروکادرو رفتیم توی اکسپوزیسیون [اکسپوزیسیون]، یعنی رودخانه سن در وسط است، این طرف همه باغ است و باغچه‌ها و گلکاری، قهوه‌خانه‌های متعدد و عمارات چین و مصر و ایران و تونس و حوضها و آبشار و فواره‌ها و تالار بزرگ کنسرت که از زیر آن آبشار جاری است. اگر بنخواهم شرح تروکادرو و اکسپوزیسیون و بناها و امتعه و فواره‌ها و آبشارها و باغچه‌ها و گلکاریها و خیابانها و چمنها و تماشاچیها و صنایع عجیبه و غریبه کلی دنیا و خرجی که به این بناها و غیره شده است یا مردم متحمل شده‌اند و منافی که صاحب کمپانی این بازار و صاحب این کار می‌برد و لذا ازدحام دنیا را که در اینجا به همه وضع می‌آیند و می‌روند و... که بسیار جالب و دیدنی است بنویسم خود [چند کتاب جدا می‌طلبم]...، چه قدر تنه خوردیم و هل دادیم از ازدحام...

رفتیم توی اکسپوزیسیون، نظراً قضا و... بودند، از در تروکادرو داخل شدیم، امروزی کولونل و احتساب بود و مردم با ادب حرکت می‌کردند. نزدیک عمارت چین و ژاپن، عمارت ایران است که حقیقتاً از همه بهتر بود؛ استاد حسینعلی معمار، خویش حاجی ابوالحسن، ساخته است، خودش هم حاضر بود... اگر وضع دلانهای توی اکسپوزیسیون و جواهرات نفیسه و اشیایی که از دو پولی‌ای صد هزار تومان قیمت و ارزش دارد و غیره و غیره و غیره را بنویسم و شرح بدهم باید یک کتاب

۲. سفرنامه فرنگستان در سفر دوم. به کوشش فاطمه قاضیها. تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۹. صص ۱۱۸-۱۲۲.

علی حده به قدر شاهنامه به دست گرفته و تا مدتی که اکسپوزیسیون برپاست همه روزه از صبح الی صبح دیگر متصلاً باید بنویسم...

این عمارت [عمارت ایران] شبیه به برج عشرت آباد ساخته‌اند، همان مرتبه اول یعنی یک حوضخانه کاشی‌کاری در مرتبه تحتانی است که حوض مرمر دارد و آب از آن می‌جهد بعد پله خورده بالا می‌رود روی حوضخانه اطاق آینه‌کاری مقرنس بسیار بسیار خوبی ساخته‌اند. پنجره‌ها و درها همه از ایران آورده‌اند. تروی دالانها و قسمت‌های اکپوزیسون از قسمت انگلیس، فرانسه و... از همه جا برد شدیم و گذشتیم تا به قسمت ایران رسیدیم. قدری آنجا نشستیم؛ متاعهای خوب داشت، حتی تمبک خاتم و کمانچه و غیره. یک تمبک را ۴۰ تومان خریده بودند. زریه‌های اصفهان، پارچه‌های یزد، کاشان و غیره و غیره... خیلی متاع ایران اینجاها مرغوب است و به قیمت اعلی می‌خرند.^{۴۳}

شاه، پس از بازدید از فرانسه از راه استراسبورگ، که هنوز در اشغال دولت آلمان بود، به وین رفت و پس از اقامتی نه روزه در آنجا عزم بازگشت به ایران را می‌نماید و از مسیر ولادی قفقاز به بندر پتروفسکی وارد و از راه دریای خزر به بندر انزلی و رشت و، سرانجام، در هشتم شعبان به تهران می‌رسد.

مهم‌ترین مسئله در سفر دوم شاه به اروپا درخواست رسمی وزارت خارجه ایران یک سال و دو ماه پیش از برگزاری نمایشگاه برای شرکت در آن بود که همزمان با این اتفاق، طرح «بازدیدهای شاهانه» از این نمایشگاه از سوی دولت فرانسه ریخته شد و چون ایران برای فرانسه به لحاظ منافع استعماری و تاراج میراث ملی اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت، دعوت ناصرالدین شاه در اولویت قرار گرفت.

از طرفی، دولت فرانسه، مانند بسیاری از دولت‌های اروپایی در آن عصر، دلگیر و خسته از قدرت‌گیری عثمانی و حملات آن حکومت به اروپای شرقی، بر آن بود تا با نزدیک شدن به ایران، متحد قوی و صاحب نفوذی در خاورمیانه برای خود داشته باشد. به علاوه، شاه ایران که به قدرت ثالثی در میان دول اروپایی می‌اندیشید تا بتواند به نفوذ روس و انگلیس در کشورش خاتمه دهد، این سفر را برای خود تدارک دید. چنانکه دیده شد دولت انگلستان که از دعوت شاه به اروپا زیاد خوشنود نبود، از وی و همراهان برای

۳. همان، صص ۱۵۰-۱۵۴.

۴. سفرنامه فرنگستان، «سفر دوم». نگارش ناصرالدین شاه قاجار به خط میرزا محمد کلهر. مقدمه و فهرستها از ایرج افشار. تهران، شرق، ۱۳۶۳.



مسافرت به این کشور در سفر دوم دعوتی به عمل نیاورد.^۵ حاصل این سفر، برای ملت ایران تنظیمات نظمیه و قشون، و تشکیل قزاقخانه و ایجاد چراغ گاز و چراغ برق بود و می‌توان این سفر را یکی از پربرترین مسافرت‌های سه‌گانه فرنگستان دانست. اما جای بسی تأسف که این ترقیات عناوینی دهان پرکن بیش نبود و بجز نظم و نسق قشون و قزاقخانه، مابقی خدمات رفاهی برای مردم هرگز به سرانجام نرسید. این مقاله

ترجمه جزوه‌ای است خلاصه و کوچک که در شانزده برگ مرتب شده است و از سری کتابهای بازدید شاهانه از نمایشگاه بین‌المللی پاریس در سال ۱۸۷۸ می‌باشد^۶ که به مناسبت سفر ناصرالدین شاه به اروپا یک سال پیش از برگزاری نمایشگاه در ژانویه ۱۸۷۷ به رشته تحریر درآمده و محتوای کلی آن درباره اوضاع حکومت قاجار در عصر سلطنت ناصرالدین شاه و روابط ایران با اروپا و مقایسه دولت ایران و دولت عثمانی به لحاظ تعهد و تفقد به دولتهای اروپایی در نیمه آخر قرن نوزدهم می‌باشد. در این جزوه به کرات اشاراتی به کوششهای شاه ایران در جلب حمایت اروپا برای توسعه کشور خود به چشم می‌خورد. همچنین دولت فرانسه، که همواره یکی از مدعیان اصلی تصرف هند از اوایل قرن نوزدهم بوده، تمایل دولتمردان متبوع خود را برای احداث خط راه‌آهن از طریق ایران به خوبی در این جزوه نشان می‌دهد. چیزی که در اینجا بیشتر ملاحظه می‌شود، نفرت دولتهای مغرب زمین از امپراطوری عظیم عثمانی است که با قدرت توانسته بود در داخل خاک آنها پیشروی کند و علی‌رغم کمکها و حمایتهای برخی از دولتهای اروپایی

۵. در سفر اول و سوم شاه از انگلستان بازدید کرد و تنها در سفر دوم بود که به انگلستان مسافرت نمود.
۶. این جزوه از سری جزوات بازدیدهای شاهانه از نمایشگاه پاریس در سال ۱۸۷۸ است که به معرفی شاه ایران پرداخته است و به احتمال فراوان جزواتی دیگر برای سایر شاهان شرکت‌کننده در این نمایشگاه تهیه شده بوده است.

از آن حکومت، همچنان به خصومت دیرینه خود با جهان مسیحیت پایدار و استوار بماند.

این کتاب که به احتمال قریب به یقین رهاورد همین مسافرت می‌تواند باشد، سالهایتمادی در کتابخانه سلطنتی محفوظ بوده و گواه این مدعا نوشته کتابدار سلطنتی^۷ در صفحه نخستین آن می‌باشد. پس از انتقال اکثر کتب کتابخانه سلطنتی به کتابخانه جدیدالتأسیس ملی در تاریخ ۱۳۱۶/۱۰/۲۷ شمسی، این کتاب نیز که جزو آن کتابها بود به این مکان منتقل شد و اینک، پس از گذشت یکصد و سی و دو سال از انتشار آن، در تالار ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نگهداری می‌شود. در حقیقت باید اذعان کرد این تالار، ایرانی را در خود جای داده است و مصداق این بیت می‌باشد:

در سبویی نهفته دریایی یا به کنجی خزیده دنیایی

در این پیشگفتار بر خود وظیفه می‌دانم، از آقای منصور فلاح‌نژاد، کارشناس ارشد زبان فرانسه در بخش کتب فرانسوی تالار ایران‌شناسی که زحمت ویرایش این ترجمه را داشته‌اند، بینهایت تشکر نمایم و همچنین سپاس بیکران خود را به آقای ایرج عنایتی ریاست تالار ایران‌شناسی، که همواره مشوق نگارنده در کارهای پژوهشی در حوزه مطالعات قاجاریه می‌باشند، ابراز دارم.

البته باید اظهار کرد که در سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگستان، امتیازهای بسیاری به دول میزبان داده شد و لوازم و وسایل بسیاری از سوی شخص شاه یا به دستور وی به توسط درباریان خریداری شد؛ ولی ناصرالدین شاه چون اصولاً دمدمی مزاج بود با دیدن بسیاری از لوازم رفاهی اروپا به فکر افتاد برای کشور خود یا شاید برای دربار اختصاصی اش چراغ‌گاز و برق را به ارمغان ببرد. تا آنجا که تاریخ نشان داد این تصمیم شاه یک خودنمایی و یا شاید یک خودخواهی بود؛ زیرا چراغ‌گاز اختصاصاً برای کاخ گلستان کشیده شد و چراغ برق نیز وسیله‌ای برای زراندوزی وی و درباریان متنفذی چون امین‌الضرب گردید. شاه، سرمست از غرور، با دیدن البسه قزاقهای روسی فریفته قدرت چشم‌نواز ایشان شد و تشکیل قزاق و قزاقخانه در ایران را به صورت رسمی از نایب‌السلطنه فقراز درخواست نمود.

۷. «مسافرت اعلی حضرت ظل‌الله... روحانفاده به اکسپوزیسیون» در این صفحه علاوه بر این دستخط، امضاء محمد قانع بصیری رئیس بیوتات سلطنتی که در طی سالهای ۱۳۱۵-۱۳۱۷ شمسی با همراه مهدی بیانی مدیرکل کتابخانه ملی مأمور ثبت و تحویل و انتقال کتابهای کتابخانه سلطنتی به کتابخانه معارف (ملی) بودند و همچنین شماره ۵۹۵۲ به چشم می‌خورد.

[ترجمه متن جزوه]

مدت دو ماه است که اعلیحضرت پادشاه عالی مقام که در ایران سلطنت می‌کنند اطلاع داده‌اند که فرانسه را مفتخر به بازدید خود در مدت نمایشگاه جهانی در پاریس می‌نمایند.

بیشتر دولتهای اروپا موفق به دیدار این پادشاه شده‌اند. هر ملتی که این پادشاه از کشور آن عبور کرده او را با اکرام پذیرفته و پاریس با وجود حوادث ناگوار سالهای ۱۸۷۰ و ۱۸۷۱... پادشاه را به اروپا آورد تا عملکرد رفاهی اروپا را مورد بررسی قرار دهد.

ملتی که ناصرالدین شاه بر آن پادشاهی می‌کند بین تمام ملتهای آسیا معروف و شناخته شده است. ایران در پهنه سیاست به علت رقابت و چشم همچشمی



ناصرالدین شاه در لباس نظامیان پروس [ع-۲۵۷۲]

همسایگان اهمیت بسزائی دارد. ایران گهواره مردمان شجاع و پیشرو در تمامی علوم از علم ستاره‌شناسی تا فلسفه معروف شده و شعرای این سرزمین شعرای دوره قدیم را بخاطر می‌آورند؛ و هنرمندان و مجسمه‌سازان و سفالگران آن رقیب ندارند.

بیشتر دولتهای اروپایی این پادشاه را دیده‌اند. هر ملتی که او از قلمرو آن عبور می‌کند او را با سخاوت و بخشندگی پذیرا می‌شوند و پاریس با وجود ناکامیهای ۱۸۷۰ و ۱۸۷۱ شکوه و جلال تمدن اروپایی را به او ارائه داده و ثابت کرده که این تمدن به قدرتهای حیاتی خود نرسیده است.

ناصرالدین شاه همه جا آثار سفر خود را به جا گذاشته است. لطف و کرم او به فقرای پایتختهای مختلف اروپا عالی بوده و توانسته با خریدهای متعدد و فراوان خود وضعیت تجارت قاره قدیم را غنا بخشد. ما با خطوط بزرگ سلطنت این پادشاه را، که بین پیشگامان طایفه قاجار معروف و مشهور است، ترسیم می‌کنیم.

ناصرالدین شاه چهارمین پادشاه طایفه قاجار است. پادشاهی سخاوتمند و باسواد و

میانه رو که تنها سرگرمی او، بعد از کارهای سلطنت، شکار است. او خیلی زود حکومت کردن را فراگرفت. پدر او به نام محمدشاه حکومت سرزمین ثروتمند آذربایجان در کنار بحر خزر را در سن بیست سالگی به او سپرد و او در این خطه ثروتمند ثابت کرد که لیاقت آن را دارد.

او در سال ۱۸۴۸ به تخت نشست و علیه شورشهای خراسان و نیز شورش بابیها مبارزه کرد. او زندگیش را مدیون جسارت و جرئت خود است و بعد از پیروزی بر شورشها به مبارزه علیه قحطی و گرسنگی این بلای خانمانسوز که در ۱۸۷۰ کشتارها کرده است پرداخت و برای همین هم به اروپا آمده تا کشورهای اروپایی را، که انبارهای نعمت و فراوانی است، مورد بررسی و مطالعه قرار دهد.

ایران در مقابل تمامی عقاید و باورها از خود تساهل و تحمل نشان می دهد و از سایر مسلمانان، خصوصاً ترکها که عملیات اخیر آنها در بلغارستان باعث تحقیر اروپا شده است، تقلید نمی کند.

سرزمین ایران از بحر خزر تا خلیج فارس گسترش دارد و با دریای هندوستان و تمام شرق دور پیوند دارد و با جاده ها و خط آهن آینده خود می تواند با اروپا نیز پیوند یابد. ایران به سرزمین فعلی و مرزهای خود بسنده کرده و از وسعت سرزمینهای گذشته خود از دوره خشایارشا تا اسکندر چشم پوشیده است و این چیزی است که روح ملی او را غنی می سازد. ایران با هماهنگی با اصلاحات و رفورمهایی که در کشورهای خارجی پیش آمده به تمدن خود تداوم می بخشد. این کشور همچنان به حیات خود ادامه می دهد و همچنان خوشبخت و کامروا خواهد ماند زیرا هرگز عادات و روشهای زشت امپراطوری عثمانی را تقلید نکرده است.

هر کس آشنایی با آسیا دارد می تواند به آسانی پیش بینی کند که ایران لاجرم قسمتی از مستملکات آسیائی ترکیه را دربر خواهد گرفت زیرا اروپا مشغول به فراخوانی و حمایت از عاقلترین آدمهای مسلمان است [منظور ایرانیان است].

مسلماً مسافرت ناصرالدین شاه دارای نتیجه سیاسی بزرگی خواهد بود و نفوذ زیادی در کنفرانس قسطنطنیه خواهد داشت. کوششهای زیادی برای منصرف کردن پادشاه ایران در مورد سفر جدیدش به اروپا به عمل آمده است و ترکیه و مأمورین مخفی آنها از مخالفین سرسخت این سفر می باشند. خوشبختانه ناصرالدین شاه که با وضعیت اروپا آشنایی دارد تحت تأثیر این تبلیغات قرار نمی گیرد و در مقابل آن فقط به پیشرفت و سعادت ملت خود فکر می کند ما هم به این اصل توجه داریم و با آغوش باز از او استقبال خواهیم کرد.



استقبال رسمی از ناصرالدین شاه در سن پترزبورگ روسیه [۲۵۶۶] - [ع]

صدراعظم میرزا حسین خان^۸ - ملکم خان^۹ - ناظم الملک^{۱۰} و نظراًقا [یمین السلطنه]^{۱۱}

۸. میرزا حسین خان: حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم، صدراعظم ناصرالدین شاه پسر اکبر و ارشد میرزا نبی خان امیر دیوان قزوینی است که در سال ۱۲۴۳ قمری زاده شد، امیر دیوان در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه میرزا حسین خان و یحیی خان دو فرزند خود را برای تحصیل به اروپا فرستاد. حاج میرزا حسین خان به زودی به ایران بازگشت و با اینکه تحصیلات او همان تحصیلات معمولی قدیمی بوده و شاید در اوایل دوره مدرسه دارالفنون و در خارج از مدرسه زبان فرانسه را هم کمی آموخته باشد، لیکن به واسطه هوش سرشار و فوق العاده‌ای که داشت خوب صحبت می‌کرد و خوب چیز می‌نوشت، در کارها بسیار جدی بود و پشتکار خستگی‌ناپذیر و همتی بلند و شهامتی بسزا داشت. در مأموریت‌های خارج در وزارت عدلیه، سپهسالاری قشون و صدارت و وزارت خارجه با فعالیتی بی‌نظیر امور محوله به خود را به وجه احسن و اتم انجام می‌داد و در مأموریت‌های خارج و اوقاتی که در، دربار باب عالی در عثمانی مشغول خدمت اداری بود در طرز جریان کارها در اول محل توقف خود مطالعات دقیق کرده و خود را برای همه کارها آماده نموده بود. در دوران صدارت وی، شاه (ناصرالدین شاه) یک بار و در دوران وزارت خارجه برای مرتبه دوم به اروپا مسافرت نمود. از کارهای مهم وی می‌توان تشکیل دارالشورای کبری، تأسیس دارالترجمه و دارالطباعة دولتی، انتظام وزارت جنگ و امور عساکر، تشکیل هیئت وزیران و تأسیس وزارتخانه‌ها به سبک اروپایی و غیره را نام برد. (مهدی بامداد. رجال ایران. ج ۱. صص ۴۰۶-۴۲۶).

۹. میرزا ملکم خان: میرزا ملکم خان، که دارای القاب ناظم الدوله، پرنسس و نظام الدوله بود، از ارمنیان جلفای اصفهان پسر میرزا یعقوب ارمنی جلفایی که می‌گویند بعداً اسلام آورده و مسلمان شده و به عنوان جدیدالاسلام به مقاماتی نیز رسیده بود. او در سال ۱۲۴۹ قمری در اصفهان متولد شد و پدرش میرزا یعقوب او را به آداب اسلامی بزرگ کرده و کوشش نموده بود که زبان فارسی را به خوبی فراگیرد، در سیزده سالگی به پاریس رفت و در مدارس آن کشور حکمت طبیعی و هندسی را فراگرفت و پس از بازگشت به ایران اولین خط تلگراف را دایر کرد. وی را اولین بانی فراموشخانه (فراماسونری) در ایران می‌دانند، گرچه پیش از وی نیز کسانی چون عسکرخان افشار کوششهایی در این راه نموده بودند. وی در زمان صدارت میرزا حسین خان در سنوات ۱۲۸۸ تا ۱۲۸۹ قمری مستشار صدارت عظمی بود. (مهدی بامداد. رجال ایران. ج ۴، صص ۱۳۹-۱۵۴).

۱۰. اسکندرخان ناظم الملک: اسکندرخان پسر میرزا یعقوب ارمنی اصفهانی و برادر بزرگ میرزا ملکم خان ناظم الدوله بود و به همین سبب او نیز به ناظم الملک مشهور شده بود. از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۷ قمری با منصب سرتیپی نایب دوم سفارت ایران در لندن بود. سرانجام در سال ۱۳۳۰ قمری از این جهان رخت بریست. (خان ملک حسینی ساسانی. سیاستگران دوره قاجار. ص ۵۸۵).

۱۱. نظر آقامین: نظر آقا از آشوریهای ایران ساکن ارومیه و از کارمندان عالی‌مقام وزارت خارجه و مردی خوش محضر بود که در سال ۱۲۴۳ قمری در ارومیه متولد شد. در جوانی به استانبول رفت و در مدرسه کشیهای لازاریست تحصیل نمود و پس از فراغت از تحصیل به تهران آمد و در مدرسه دارالفنون معلم تاریخ و جغرافیا شد، در ۱۲۷۱ به مترجمی ژنرال کنسولگری ایران در تفلیس مأمور گردید. پس از اندک زمانی در همین سال تغییر مأموریت یافته در سفارت سیف الملک میرزای نوری به سن پترزبورگ به سمت مترجمی او تعیین شد. سپس اولین مترجم سفارت ایران در پاریس شد و دست آخر در سال ۱۲۸۶ سمت شارژ دافر (کاردار) سفارت ایران در پاریس به وی داده شد. روی هم رفته، نزدیک به ۴۶ سال سمتهای مترجمی، کارداری و وزیرمختاری ایران در فرانسه و دیگر بلاد برعهده وی بود. (مهدی بامداد. رجال ایران. ج ۴. صص ۳۸۷-۳۹۰).

وزیر دوست داشتنی ایران در پاریس پادشاه را به آمدن به اروپا تشویق خواهند کرد زیرا این دولتمردان ایران می دانند که پادشاه آنها در میان احترام عمومی، که به شخص او می شود، به اروپا قدم خواهد گذاشت و کشورهای اروپایی را به یاری ایران و افزایش رفاه آن با احداث راه آهن در ایران مصمم خواهد نمود.

مسلماً اگر خطوط راه آهن در ایران ساخته شوند منابع ثروتی بسیاری عاید ایران و نیز اروپا خواهد نمود[!] این خط از آن نقطه که رود سند به خلیج عمان می ریزد در هندوستان شروع شده و با گذر از بلوچستان و ادامه خود از کناره خلیج [فارس] به تنگه هرمز وارد شده و مسیر خود را از کناره خلیج فارس ادامه داده و به نزدیک بصره می رسد و سپس در داخل خاک ایران از استانهای لرستان و عربستان [خوزستان] گذر خواهد کرد. رفت و آمد در این مسیر بیکران و عظیم خواهد بود و به طور وسیعی سرمایه های اروپایی را، که صرف احداث آن می شود، تأمین خواهد نمود. خدا کند که دولتمردان امور مالی ما این را بالاخره درک کنند که باید جاده ای اروپایی به هندوستان احداث نمایند و این جاده را از ایران بگذرانند به جای اینکه راه دیگری را از ترکستان روسیه و از استپهای پر از شن و ماسه خوقند بررسی کنند.

سفر ناصرالدین شاه پیشدرآمدی بر احداث این خطوط آهن خواهد بود و نتایج آن باعث رفورمی در اقتصاد ایران نیز خواهد شد.

می دانیم که شاه ایران تا چه میزان به منافع کشور خود می اندیشد؛ برق کشتی بخار که قدرت اصلی را در دنیای مدرن تشکیل می دهد به زودی در این کشور نیز، که از راه دو دریا با دنیا ارتباط دارد ولی فاقد نیروی دریایی است، نفوذ خواهد کرد. این کشور در شرق و غرب خود مرزهایی دارد که فاقد دفاع طبیعی است و ۱۲ سال است که ارتش آن در شرف تشکیل است. ترقی و پیشرفت را به ایران بیاورید و بدانید که ملت ایران که مؤدب و کوشا و تعلیم دیده است اروپا را به اعجاب خواهد انداخت و تجارت قاره قدیم را غنا خواهد بخشید همانطور که موزه های ما را از شاهکارهای عالی و دلپذیر خود غنی ساخته است. با این راههای ارتباطی جدید دیگر جایی برای دلهره و نگرانی از قحطی که جان آن همه انسان را، مانند آنچه در شبه جزیره بالکان با شمشیر بوزوک باشیها گرفت نخواهد بود.

ایران را تقویت کنید و در این صورت دیگر نگران دو قدرت بزرگ در آسیا، یعنی روسیه و انگلستان، نخواهید بود. ایران چنانچه مجهز به راه آهن شود بزرگترین مانعی می شود که می توان آن را سر راه دو رقیب متخاصم که جنگ و نزاع آنها خرابیها و خسرانهای زیادی را بر ملت های زحمتکش مسلمان آسیا که تابع ارتش جنگجوی ترکیه نیستند آورده است، قرارداد.

ایران، چنانچه قدم به راه پیشرفت گذارد، نقطه پایانی خواهد بود برای رخوت و سستی مسلمانان آسیا و نیز پایانی بر تعصب و خشکاندیشی و تنها برنامه‌ای است که شایسته انسان والا است؟

گاهی بر ما خرده می‌گیرند که چه چیزی سرمایه‌های خارجی را در ایران تضمین خواهد کرد در حالی که برای احداث راه آهن در هندوراس سرمایه‌هایی را از راه استقراض و اخذ وام از هائیتی و عثمانی تأمین کردند و میلیاردها به کشورهایی که فاقد هرگونه منابع مالی بودند پرداختند بدون آنکه نتیجه و بهره‌ای از کشاورزی یا صنعتی یا تجارتي به دست آورند؛ و حالا در مورد کشوری بارور و بهره‌ساز چون ایران به تردید افتاده‌اند - در مورد کشورهایی که حتی موضوع کمک هم نبوده‌اند اکتفا به تضمین شفاهی از جانب سفیر آن کشورها یا وزرای آنها و غیره نموده‌اند و حالا در مورد اشخاص والایی چون میرزا حسین خان و ملکم خان یعنی دولتمردانی که وحدت ایران را حفظ کرده‌اند دچار تردید شده‌اند در حالی که به این اشخاص، که سقوط امپراطوری عثمانی را تسریع بخشیده‌اند، اعتماد داشته‌اند.

با رؤسای جمهور خارجی، با سلطان ترکیه - مردی که در حرمسراها به سر می‌برد و ملت‌های مسیحی را قتل عام کرده - روابط سیاسی دارند آن وقت به ناصرالدین شاه، پادشاهی روشنفکر که همیشه با بصیرت سیاسی و عدالتخواهی و نجابت و تساهل و تحمل دیگران رفتار کرده و ۲۰ میلیون کمک از منابع مالی خصوص [دولتی] خود صرف کمک به قربانیان قحطی نموده، هیچ‌گونه اعتمادی ندارند.

آیا وزرایی که از همکاران شاه ایران هستند همیشه در صف اول در دفاع از افکار بشردوستانه نبوده‌اند؟ آیا ندیدید چگونه پیشنهادهای ترکها را مبنی بر شرکت آنها در جنگ اسلام با مسیحیان ترکیه با تحقیر رد کردند؟ آیا آنها به مذاهب و ادیان احترام نگذاشته‌اند؟ آیا در ایران، از چهار قرن پیش تا حال، یک مورد از تحقیر ادیان دیگر دیده‌اید؟ ایران از بین تمام کشورهای مسلمان در رأس تمدن اروپا قرار دارد و لذا حق دارد که تمدن اروپا نیز به او عنایت داشته باشد. ایران تمدن اروپای غرب را حفظ کرده و با وجود مذهبی که در ایران مسلط و مورد قبول ایرانیهاست مع هذا مردم ایران دروس خود را از منبع تمدن غرب اقتباس کرده و از افراط‌کاریهای پیروان اروپایی قرآن دوری جسته‌اند. ترکیه در حال احتضار است و مرده است. ایران حیات دارد و زندگی می‌کند، خود را اصلاح می‌کند و برای تکمیل اصلاح خود مشارکت اروپا و حمایت آن را لازم دارد. اروپا نیز از این مساعدتها دریغ نخواهد کرد زیرا امروز نقش ایران مشخص می‌باشد.

LES VISITES SOUVERAINES

L'EXPOSITION UNIVERSELLE DE 1878

NASSER-ED-DIN CHAH

EMPEREUR DES PERSANS

Depuis deux mois, le souverain éminent qui règne en Perse a fait savoir qu'il honorerait la France d'une visite pendant l'Exposition universelle.

La plupart des États de l'Europe ont vu, ce souverain, chaque nation dont il a traversé le territoire l'a reçu avec munificence, et Paris, malgré les revers de 1870-71, a tenu

۱۷۵-۱۷۸۴

DER 1310 -

کتابخانه

۱۷۷۵

LES VISITES SOUVERAINES

L'EXPOSITION UNIVERSELLE DE 1878

No 5883

NASSER-ED-DIN CHAH

EMPEREUR DES PERSANS

PAR

GEORGES LÉVY *INDIC*

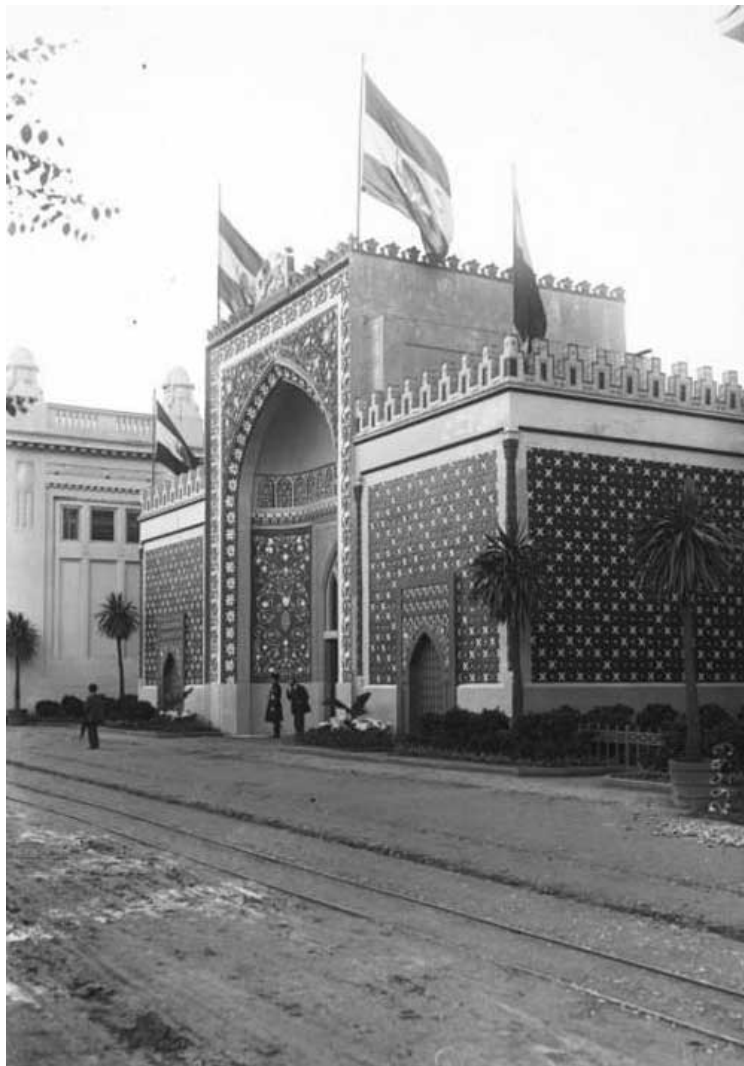
PARIS

IMPRIMERIE ADOLPHE REIFF

PLACE CARREAU, 9

1877

جزوه معرفی ایران در نمایشگاه جهانی پاریس



اروپا تاکنون از ترکیه حمایت کرده و کنفرانس منعقد شده در آن با بیرحمی آن را محکوم می‌کند زیرا کلیه کوششهایی که صرف به قدرت رسیدن دوباره عثمانی شده است به باد فنا رفته است.

حالا ایران باید مشمول حمایت و عنایت اروپا شود زیرا این کشور دیده‌بان جلودار تمدن در آسیاست و در جلوی تمدن اروپا قدم برمی‌دارد و قدرت سخاوتمندانه و بلندمرتبه خود را حالا در اروپا می‌بیند و دیگر به فتوحات و تصرفات فکر نمی‌کند مگر به فتوحاتی که در اثر پیشرفت به دست آورد.

ناصرالدین شاه به اروپا نمی‌آید تا توپهای کروپ و تفنگهای سوزنی و ابزار و آلات جنگ بخرد، مثل خیلی‌ها که به فکر تسلط بر همسایگان خود هستند، بلکه می‌آید تا راز پیشرفت را در اروپا در فاصله سفر قبلی خود تا امروز دریابد و کارگرانی را در اروپا مستقر کند که بتوانند در آینده به نوسازی آسیا پردازد و به جای بیحسی و رخوت و خواب‌آلودگی مردم مسلمان فعالیت و کار به آنها تزریق کند.

لذا ما به مهمان عظیم‌الشان خود از ایران خوشامد می‌گوییم.

پاریس - اول ژانویه ۱۸۷۷